



بسمه تعالی

در مراکز بخش ها، شهرستان ها و نقاط معینی از شهرهای بزرگ، دادگاه های عمومی به تشخیص رئیس قوه قضائیه ایجاد می گردد. این دادگاه ها به دو دسته عمومی حقوقی و کیفری تقسیم می گردند. هر یک از دادگاههای مذکور با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی البدل تشکیل می شود و وحدت قاضی در آن حکمفرما می باشد. در دعاوی کیفری، با احیاء دادرها وشکایت و تعقیب بایستی در دادرها مطرح گردد و پس از صدور کیفرخواست، رسیدگی در دادگاه عمومی کیفری شروع می شود.

الف: دادگاه های عمومی حقوقی

دادگاه عمومی حقوقی، به دعاوی حقوقی و به اصطلاح مدنی رسیدگی می نمایند.

شروع رسیدگی در دادگاه حقوقی، مستلزم تقدیم دادخواست می باشد. هر دادگاه عمومی دارای یک قلمرو قضایی می باشد که به آن حوزه قضایی می گویند و حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است.

قلمرو قضایی یک دادگاه با توجه به تقسیمات کشوری انجام می گیرد و بر این اساس حوزه صلاحیت دادگاه مشخص می شود.

در سطح کشور دادگاههای عمومی متعددی وجود دارند که به دعاوی حقوقی رسیدگی می نمایند اما باید در نظر داشت که فرد نمی تواند دعوی خود را به دلخواه در هر دادگاه اقامه نماید، تعیین دادگاه صلاحیت دار

دارای ضوابط خاصی می باشد. شایان ذکر است که در حال حاضر حوزه قضایی تهران و برخی شهرهای بزرگ دیگر به واحد های متعددی تقسیم گردیده اند که تحت عنوان مجتمع، اسم گذاری شده است. اما تقسیم بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل، مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن ایجاد نمی کند. بنابراین در صورت اقامه دعوی در هر یک از مجتمع های قضایی هر حوزه قضایی، آن مرجع صلاحیت دارد به دعوی مطروحه رسیدگی نماید. اما از آنجایی که تقسیم بندی حوزه قضایی به این واحدها از جهت رسیدگی آسانتر و دسترسی به طرفین دعوی و سایر ادله می باشد، باید حتی الامکان سعی گردد دعوی مورد نظر در مجتمع قضایی اقامه گردد که براساس اصول، صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد.

حسب اصل حاکم بر دعاوی حقوقی کلیه دعاوی بایستی در محل اقامت خواننده اقامه گردد مگر مواردی که قانون خلاف آن را تصریح و از این اصل استثناء نموده باشد. بر فرض، در صورتی که شخصی که در تهران مقیم می باشد از شخصی که در شهرکرد اقامت دارد، طلبی داشته باشد، علی الاصول باید دادخواست مطالبه خود را در دادگاه عمومی شهرکرد اقامه نماید. اما اگر خواننده (بدهکار) در ایران اقامت نداشته باشد در دادگاه محل سکونت موقت وی اقامه دعوی صورت می گیرد چنانچه که محل سکونت موقت نیز نداشته باشد ولی مال غیر منقول داشته باشد، دعوی در دادگاهی اقامه می شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیر منقول هم نداشته باشد در صورتی که خواهان مقیم ایران باشد در محل اقامت خود، اقامه دعوی می نماید و اگر خواهان نیز مقیم ایران نباشد در هر یک از دادگاه های عمومی ایران می تواند اقامه دعوی نماید.

در برخی از دعاوی، خواهان علاوه بر دادگاه محل اقامت خواننده، در دادگاه دیگری نیز می تواند اقامه دعوی نماید و انتخاب دادگاه برای وی اختیاری است. مثلاً در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد خواهان علاوه بر دادگاه محل اقامت خواننده، می تواند به دادگاهی که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می بایست در آنجا انجام شود مراجعه و اقامه دعوی نماید.

دادگاه محل اقامت خوانده، می تواند به دادگاهی که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می بایست در آنجا انجام شود مراجعه و اقامه دعوی نماید.

در دعاوی مربوط به اموال غیر منقول، اعم از مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه دعوی می شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است اگر چه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد. علت این امر این است که در رسیدگی به دعاوی غیر منقول، دادگاه احتیاج به بررسی بیشتر و تحقیق محلی و معاینه محل دارد و همچنین بایستی از طریق کارشناس درخصوص ملک اظهار نظر صورت گیرد و به همین منظور دادگاه محل وقوع ملک به علت نزدیکی و قرار گرفتن ملک مزبور در حوزه قضایی آن، امکان امعان نظر بیشتری دارد. اما کلیه دعاوی راجع به اموال غیر منقول در صلاحیت دادگاه محل وقوع ملک نمی باشد، بلکه دعاوی که راجع به عین ملک می باشد در این دادگاه اقامه می گردد و دعاوی دیگر مثلاً مطالبه اجاره بها و قیمت ملک فروخته شده، همچنان بایستی در دادگاه محل اقامت خوانده اقامه گردد. اما دعاوی مثل اجرت المثل و ... که از عقود و قراردادها حاصل نشده است در دادگاه محل وقوع ملک اقامه می گردد. لازم به ذکر است صلاحیت دادگاه محل وقوع ملک، یک قاعده آمرانه می باشد و اصحاب دعوی نمی توانند از آن عدول نمایند. البته به موجب آئین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم مصوب رئیس قوه قضائیه و با اختیار حاصل از ماده مذکور رسیدگی به دعاوی خلع ید-رفع تصرف عدوانی-مزاحمت و ممانعت از ... در صلاحیت شوراها حل اختلاف قرار گرفته است.

در دعاوی که یک ادعا راجع به خواندگان متعدد باشد و خواندگان در حوزه های قضایی مختلف اقامت دارند یا دعوا راجع به اموال غیر منقول متعددی باشد که در حوزه های قضایی مختلفی واقع شده اند، دعوا را می توان در هر یک از دادگاه های حوزه های یاد شده اقامه نمود.

در صورتی که طرف دعوی فوت نموده باشد و نسبت به ماترک (آنچه از متوفی باقی مانده) اختلافی ایجاد گردد تا قبل از تقسیم ترکه، دعوی در دادگاه آخرین محل اقامت متوفی اقامه می گردد و در صورتی که آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به دعاوی یاد شده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران در حوزه آن بوده است. اما اگر ترکه متوفی تقسیم شده باشد بایستی طرح دعوی علیه وراثت و در محل اقامت وراثت اقامه گردد و در صورت متعدد بودن وراثت، در محل اقامت یکی از وراثت اقامه می گردد.

به پیشنهاد رئیس کل دادگستری و تصویب ریاست قوه قضائیه دادگاه های حقوقی نیز با توجه به تناسب امکانات و تخصص قضات به دعوی خاص اختصاص می یابد.

مثلاً دعوی تجاری، امور حسبی، ثبتی، مالکیت های معنوی و صنعتی، دعوی خانواده، دعوی موجر و مستأجر، دعوی بین المللی بر حسب موضوع در دادگاه مربوطه اقامه می گردند. مهمترین دادگاه عمومی حقوقی که به امر تخصصی می پردازد دادگاه خانواده می باشد. با توجه به تنوع موضوعات مورد رسیدگی در دادگاه های عمومی، اعم از دعوی مختلف حقوقی، جرایم گوناگون از قبیل تجاوز به عنف، زنا و قوادی، سرقت و... چنانچه رسیدگی به موارد مزبور در کنار دعوی خانوادگی و توسط همان قاضی صورت پذیرد از یک سو آثار سوئی را بر روان مراجعین و خانواده هایی که به عنوان اصحاب دعوا، شاهد، همراه و ... به دادگاه مراجعه می نمایند خواهد داشت و از سوی دیگر ذهن قاضی را آشفته می سازد. بنابراین رسیدگی به دعوی خانوادگی در مراجع اختصاصی توسط قضات مجرب و متبحر که مصالح خانوادگی و اجتماعی را نیز لحاظ می نمایند، اجتناب ناپذیر می باشد. به همین منظور و براساس اصل ۲۱ قانون اساسی در شهرهای بزرگ، مجتمع قضایی خانواده و در شهرهای کوچک، شعباتی مخصوص رسیدگی به دعوی خانواده ایجاد گردیده است که به دعوی ذیل رسیدگی می نمایند.

- ◆ دعوی مربوط به نکاح دائم و موقت
- ◆ طلاق، فسخ نکاح، بذل مدت و انقضای مدت
- ◆ دعوی مربوط به مهریه
- ◆ دعوی مربوط به جهیزیه
- ◆ دعوی مربوط به اجرت المثل و نخله ایام زوجیت
- ◆ دعوی مربوط به نفقه معوقه و جاریه زوج و اقرای واجب النفقه
- ◆ دعوی مربوط به حضانت و ملاقات طفل
- ◆ دعوی راجع به نسب
- ◆ دعوی مربوط به نشوز و تمکین
- ◆ دعوی راجع به نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها
- ◆ حکم رشد
- ◆ دعوی راجع به ازدواج مجدد
- ◆ دعوی راجع به شرایط ضمن عقد ازدواج

به علت رسیدگی بهتر به دعاوی جزایی مربوط به دعاوی خانوادگی، این دعاوی نیز در دادگاه حقوقی خانواده رسیدگی می گردند.

ب: دادگاه های عمومی کیفری

دادگاه عمومی کیفری با حضور رئیس شعبه و در غیاب وی با دادرسی علی البدل اداره می گردد و در آن وحدت قاضی حکمفرماست، با ایجاد دادرسی تحقیقات و تعقیب و ... متهم بر عهده دادرسی می باشد و پس از صدور کیفرخواست موضوع در دادگاه عمومی کیفری رسیدگی و در صورت احراز جرم، منتهی به صدور حکم مبنی بر مجازات مجرم، و در صورت حصول بی گناهی حکم بر برائت متهم صادر می گردد. اما برخی از جرائم به علت حساسیت امر مستقیماً در دادگاه عمومی کیفری مطرح می گردند. پرونده هایی که موضوع آنها جرائم مشمول حد زنا و لواط است (بجز رجم و اعدام) همچنین جرائم اطفال مستقیماً در دادگاه های مربوطه مطرح می شود و کلیه تحقیقات توسط دادگاه صورت می پذیرد.

تعدادی از شعب دادگاه های عمومی کیفری و به تبع آن دادرسی مربوطه به تناسب امکانات و ضرورت و رعایت مصلحت برخی از مجرمین، جهت تحقیقات و رسیدگی به جرائم خاص اختصاص یافته اند. تخصیص این شعب جهت رسیدگی به جرائم خاص به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضائیه می باشد.

از جمله این جرائم خاص می توان، جرائم اطفال، سرقت و آدم ربائی، صدور چک پرداخت نشدنی، جرائم صنفی (خوراکی، بهداشتی، دارویی، و سایر صنوف)، جرائم مربوط به مفاسد اجتماعی، جعل و کلاهبرداری، جرائم کارکنان دولت را نام برد.

مهمترین مرجع تخصصی کیفری که به جرائم خاص رسیدگی می کند. دادگاه عمومی کیفری رسیدگی کننده به جرائم اطفال می باشد که به علت حساسیت رسیدگی و همچنین سری بودن دادرسی و انجام کلیه تحقیقات توسط دادگاه و عدم مداخله دادرسی و تحقیق در مورد وضع مزاجی یا روحی اطفال یا ابویان او و ... دارای اهمیت ویژه ای در سیستم قضائی می باشد. منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی (۱۵ سال در پسر و ۹ سال در دختر) نرسیده باشد. اما علاوه بر رسیدگی به جرائم این افراد، به کلیه جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز،

طبق مقررات عمومی در این دادگاه رسیدگی می گردد.

رسیدگی در دادگاه اطفال با حضور ولی یا سرپرست قانونی طفل صورت می گیرد. به همین منظور در هنگام رسیدگی، دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصا حضور یافته یا برای طفل مورد نظر، وکیل تعیین نماید، در صورت استتکاف ولی یا سرپرست قانونی، دادگاه اطفال برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد نمود. در صورتی که نگهداری طفل برای انجام تحقیقات یا جلوگیری از تبانی ضرورت داشته باشد یا طفل ولی یا سرپرست نداشته باشد و یا تامینی جهت آزادی وی داده نشود، طفل متهم تا صدور رای و اجرای آن در کانون اصلاح و تربیت به صورت موقت نگهداری خواهد شد. آراء دادگاه رسیدگی کننده به جرائم اطفال برابر مقررات مربوط قابل تجدیدنظر می باشد در صورت محکومیت و قطعیت حکم، طفل مورد نظر برای مدت معین، جهت نگهداری به کانون اصلاح و تربیت تحویل داده می شود.

دادگاه کیفری استان

برخی از جرایم به علت سنگین بودن مجازات آنها احتیاج به دقت نظر و بررسی بیشتری دارند و از طریق یک قاضی نمی توان به این جرایم رسیدگی نمود لذا بایستی تعدد قضات حاکم باشد تا با همفکری و تجمیع نظرات به این جرایم رسیدگی نمود. دادگاه کیفری استان، یکی از شعبات دادگاه تجدیدنظر می باشد که به جرایمی که مجازات آن اعدام، حبس ابد، قصاص نفس یا عضو، رجم و صلب باشد و نیز جرایم سیاسی و مطبوعاتی رسیدگی می نماید. این دادگاه همانند دادگاه های تجدیدنظر، در مرکز استان دائراست. ولی در صورت صلاحدید رئیس قوه در برخی از موارد علاوه بر مرکز استان، در دیگر شهرستان های استان نیز تشکیل می گردد.

دادگاه کیفری استان، در رسیدگی به جرایمی که مجازات آنها، اعدام، حبس ابد، قصاص نفس، رجم و صلب می باشد با پنج عضو و در جرائمی که مجازات آن قصاص عضو و جرایم سیاسی و مطبوعاتی باشد، با سه عضو تشکیل می گردد. رسمیت جلسات با حضور کلیه اعضاء می باشد و تصمیم گیری با اکثریت می باشد. ریاست دادگاه کیفری استان بر عهده رئیس کل دادگستری استان می باشد که رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر همان استان نیز بوده و بر تمامی دادگاه های استان ریاست و نظارت اداری دارد.

شروع به رسیدگی در دادگاه کیفری استان، مستلزم ارسال کیفرخواست از سوی دادرسی می باشد. این کیفرخواست از سوی دادرسی محل وقوع جرم شهرستان تنظیم می گردد ولی دفاع از کیفرخواست مذکور در دادگاه کیفری استان بر عهده دادستان شهرستان مرکز استان می باشد. کلیه تحقیقات مقدماتی جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان است بر عهده بازپرس محل وقوع جرم می باشد که تحت نظر دادستان حوزه مربوطه به فعالیت می پردازد. اما دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدام لازم برای حفظ و جمع آوری دلایل و آثار جرم به عمل می آورد. در برخی از جرایم که در صلاحیت دادگاه کیفری استان می باشد، پرونده مستقیماً در دادگاه کیفری استان مطرح می گردد و کلیه تحقیقات تحت الامر دادگاه خواهد بود. پرونده هایی که موضوع آنها جرایم مشمول حد زنا و لواط بوده و مجازات آن حسب مورد رجم و اعدام باشد مستقیماً در دادگاه کیفری استان مطرح می گردد. هم چنین رسیدگی به اتهامات برخی از اشخاص به علت حساس بودن موقعیت این افراد، در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می باشد. که عبارتند از:

◆ اعضای مجتمع تشخیص مصحلت نظام

◆ اعضای شورای نگهبان

◆ نمایندگان مجلس شورای اسلامی

◆ وزرا و معاونین آنها

◆ معاونان و مشاوران سه قوه

◆ سفرا

◆ دادستان و رئیس دیوان محاسبات

◆ دارندگان پایه قضایی

◆ استانداران، فرمانداران

◆ جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر

◆ مدیران کل اطلاعات استانها

کلیه تحقیقات در خصوص اشخاص فوق بر عهده دادرسی عمومی و انقلاب تهران می باشد که پس از طی مراحل قانونی با تنظیم کیفرخواست به دادگاه کیفری استان تهران جهت رسیدگی ارسال می گردد. کلیه آراء صادره از دادگاه کیفری استان قابل تجدید نظر در دیوان عالی کشور می باشد.

نکته: جرایمی که در صلاحیت دادگاه انقلاب می باشد، در همان مرجع رسیدگی می گردد هرچند مجازات قانونی جرائم مذکور در صلاحیت دادگاه کیفری استان باشد.

آموزشهای همگانی چگونه می تواند وصول به دادرسی عادلانه را

تسهیل نماید؟

- آموزش موجب آگاهی عمومی و آشنایی شهروندان به حقوق خود می شود.

- آموزشهای همگانی موجب عدم طرح دعاوی بی حاصل خواهد شد.

- با آموزش همگانی دیگر کسی نمی تواند به بهانه جهل به قانون مرتکب جرم شود.

- آموزش همگانی مانع رشد متجاوزین به قانون و توسعه و ازدیاد جرایم گوناگون می شود.